

# سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و الگوی امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس ( با تأکید بر امور سیاسی، دفاعی و امنیتی)

محمد رحیم عیوضی \*

## چکیده

منطقه خلیج فارس از نگاه تئوری پردازان و استراتژیست‌های روابط بین‌الملل از مهم‌ترین و حساس‌ترین نقاط جهان محسوب می‌شود. اهمیت روزافزون انرژی نفت و گاز در معادلات اقتصاد جهانی و موقعیت ژئواستراتژیک خلیج فارس از عمده مباحثی است که بر نقش قابل توجه این منطقه از جهان در معادلات جهانی افزوده است. از جمله مباحثی که در ارتباط با این منطقه تاکنون مورد توجه کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی بوده، بحث ضرورت تأمین امنیت این منطقه می‌باشد که هم دغدغه قدرت‌های بزرگ و ذی‌نفع در این منطقه و هم برای کشورهای منطقه حائز اهمیت است. بدون شک این مسئله که بیش از ۹۰ درصد درآمد سالیانه کشورهای حاشیه خلیج فارس از فروش انرژی و به‌ویژه نفت خام به دست می‌آید، ضرورت تأمین امنیت منطقه را بیشتر نمایان می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نقش تاریخی و تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت منطقه خواهد داشت. نوشتار حاضر بر آن است با پرداختن به آنچه در چشم‌انداز برنامه پنجم توسعه کشور مورد توجه قرار گرفته است، و همچنین مباحثی چون پیشرفت‌های سال‌های اخیر ج.ا.ایران در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فنی، نظامی و... به‌ویژه به دست آوردن توانمندی بومی و ملی دانش هسته‌ای، نگاهی جدیدتر به مبحث الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس داشته باشد. سؤال اصلی این نوشتار آن است که اولاً در برنامه پنجم توسعه چه دستورالعمل‌ها و اصولی وجود دارد که بر اساس آن بتوان این موضوع را با ایجاد یک رژیم امنیتی پایدار در منطقه تطبیق داد و ثانیاً تحول در مفهوم امنیت بین‌الملل چه تأثیری بر ایجاد یک الگوی امنیتی با ثبات در منطقه خلیج فارس داشته است و آیا می‌توان بر اساس تحولاتی که در عرصه امنیت بین‌الملل و به تبع آن الگوهای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شده، بر اساس تئوری سازه‌نگاری و تأکید بر اعتمادسازی و اصلاح افکار، برداشت‌ها و نگرش‌های امنیتی شکل گرفته کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران، اقدام به ایجاد الگوهای امنیتی با ثبات در منطقه خلیج فارس نمود.

## واژگان کلیدی

خلیج فارس - الگوی امنیتی - برنامه پنجم توسعه - جمهوری اسلامی ایران - شورای همکاری خلیج فارس - برنامه هسته‌ای ایران - نظام بین‌الملل - کانستراکتیویسم

Email: ra.eivazi@yahoo.com

\* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۸

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۶/۲۴

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۵۸ / بهار ۱۳۹۰ / صص ۲۸۶-۲۶۷

## مقدمه

سیاست‌های برنامه پنجم در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله و با رویکرد مبنای پیشرفت و عدالت از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، دارای ۴۵ بند و شامل سرفصل‌های: امور فرهنگی - امور علمی و فناوری - امور اجتماعی - امور اقتصادی و امور سیاسی، دفاعی و امنیتی است. در نوشتار حاضر سعی می‌شود بیشتر امور سیاسی، دفاعی و امنیتی مورد توجه قرار گیرد. آنچه که به طور کلی سند برنامه پنجم به دنبال آن است، اعتلای جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از نظر توانمندی اقتصادی و فنی، فرهنگی و سیاسی، امنیتی است که قاعدتاً فقدان امنیت و آرامش در منطقه و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس به بهانه برقراری امنیت، و ایجاد هرگونه ترتیبات منطقه‌ای بدون حضور جمهوری اسلامی ایران، تحقق اهداف مندرج در برنامه پنجم توسعه را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت.

جمهوری اسلامی ایران با طرح سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و ابلاغ آن از سوی مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری سعی بر ایجاد کشوری توانمند در

منطقه با اولویت همکاری و مشارکت با کشورهای جهان دارد. (www.irane1404.com). اهم مواردی که در امور سیاسی، دفاعی و امنیتی در ارتباط با مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، در برنامه پنجم به آن اشاره شد، در اینجا ذکر می‌گردد:

- اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش ج.ا. ایران در منطقه و نظام بین‌الملل به منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی با تأکید بر:

۱. تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه؛

۲. تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم؛

۳. بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛

۴. مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی؛

۵. تلاش برای رهایی منطقه از حضور بیگانگان؛

۶. تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛

۷. سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظام‌های جدید اقتصادی،

منطقه‌ای مطلوب به نفع همه کشورهای منطقه با استفاده از پیشنهادات و خواسته‌های خود کشورهای منطقه بدون حضور بیگانگان است. همچنین تأکید بر پیش گرفتن رویه مسالمت‌آمیز به دور از تنش‌زایی در منطقه از سوی جمهوری اسلامی ایران گام بسیار مثبتی است که تحول مهمی در نوع نگاه به آینده تعاملات منطقه‌ای نسبت به جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت. تأکید بر حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه همراه با کشورهای اسلامی منطقه بیانگر چشم‌انداز روشنی در افق آینده امنیتی کشورهای منطقه خلیج فارس ایجاد خواهد کرد.

آنچه در این مقاله بر اساس برنامه پنجم توسعه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد داشت و دستاورد این پژوهش می‌باشد عبارت است از اینکه جمهوری اسلامی ایران بر لزوم ایجاد یک امنیت منطقه‌ای منسجم و پایدار در همه زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با حضور مستقلانه کشورهای حاشیه خلیج فارس به دور از دخالت‌های بیگانگان تأکید نموده و به این مسئله اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی ایران تنها خواهان صلح و ثبات و آرامش در

سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی؛

۸. حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد تحول در رویه‌های موجود بر اساس ارزش‌های اسلامی؛

۹. ارتقاء نقش مدیریتی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های پیشرفته و کمک به استقرار نظام پولی، بانکی و بیمه‌های مستقل با کمک کشورهای منطقه‌ای و اسلامی و دوست با هدف کاهش وابستگی به سیستم پولی نظام سلطه؛

۱۰. تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان به‌ویژه حوزه تمدن اسلامی-ایرانی ([www.irane1404.com](http://www.irane1404.com)).

همان‌طور که در ابتدا بیان گردید، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در اصول برنامه پنجم توسعه در خصوص مبادلات منطقه‌ای و جهانی بر تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه کشورها به‌ویژه کشورهای مسلمان، همسایه و دوست قرار گرفته است. همچنین در چند مورد بر رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان تأکید شده که خود در راستای ایجاد ترتیبات امنیتی

منطقه بوده و پیشرفت‌های سال‌های اخیر و چشم‌انداز برنامه پنجم توسعه تنها از جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه‌ای صلح‌طلب و مسالمت‌جو و پیشرفته خواهد ساخت که خواهان مشارکت و همکاری با تمام کشورهای مسلمان و عرب منطقه در یک محیط عاری از تنش و تهدید خواهد بود.

### ۱- تبیین نظری

تاکنون در نوشته‌هایی که در زمینه مباحث امنیتی خلیج فارس به رشته تحریر در آمده است، چارچوب‌های تئوریک متفاوتی مد نظر قرار گرفته است. در این خصوص، چارچوب‌های تئوریکی مانند موازنه قوا، کارکردگرایی، امنیت دسته جمعی و ... استفاده شده است. در این نوشتار نیز با توجه تغییر و تحولات ایجادشده در مقوله امنیت جهانی و گذار از امنیت سخت‌افزاری به امنیت نرم، از چارچوب تئوری سازه‌انگاری استفاده شده است. نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل ریشه در مسئله جامعه‌شناسی شناخت دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت» مطرح گردید. از دیدگاه این تئوری، واقعیت چیزی است که به‌وسیله تفکر یا صحبت ما درباره آن، به

وسیله اجماع ما درباره طبیعت یک چیز، از طریق تبیین آن به همدیگر و به وسیله مفاهیمی که ما برای درک و دریافت آن به کار می‌گیریم، ساخته می‌شود و تعامل انسانی واقعیت اجتماعی را شکل می‌دهد. تأکید این تئوری بر این نکته است که خود کنشگران اجتماعی چگونه واقعیت را بر می‌سازند و بر مبنای آن عمل می‌کنند. از آنجا که این تعاملات و فرایندهای اجتماعی هستند که به هویت‌ها شکل می‌دهند، باعث حفظ آنها می‌شوند و یا آنها را دگرگون می‌سازند، و این برداشت وجود دارد که هویت‌ها بر ساختارها تأثیر می‌گذارند و باعث حفظ یا تغییر آنها می‌شوند، انگاره هویت، نقش مهمی در این برداشت ایفا می‌نماید (مشیرزاده، ۱۳۸۳، صص ۲۰۱-۱۶۸). از این دیدگاه بر خلاف نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل، کشورها محکوم و محبوس وضعیت و موقعیت بی‌نظم خود نیستند که همواره نگران قدرت نسبی باشند و درگیر مناقشات و منازعات مخرب شوند. آنها می‌توانند ساختار هنجاری و فرهنگ بین‌الذهانی را که به سیستم قوا می‌دهد، تغییر دهند تا در طول زمان چارچوب‌های ذهنی غیر خودپرستانه لازم را برای صلح پایدار و دراز مدت استوار سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲، صص

۱۱۳-۷۳). مکتب سازهانگاری مکتبی است متعلق به مناظره چهارم در روابط بین‌الملل که بر اساس نظریه اجتماعی شکل گرفته است. طبق این رویکرد، سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد، نه نظام بین‌الملل. همچنین هنجارها و قواعد اساس بازی بین‌المللی را شکل می‌دهند (Walt, 1998, p.18). در حالی که واقع‌گرایی و لیبرالیسم بر عوامل مادی نظیر قدرت و اقتصاد تأکید می‌کنند، رهیافت سازهانگاری بر دیدگاه‌ها، ایده‌ها و تأثیر آنان متمرکز می‌شود. سازهانگاران همچنین به منافع و هویت‌های دولت به عنوان بالاترین دستاورد یک پروسه تاریخی نگاه می‌کنند (Walt, 1998, p.18). سازهانگاران همچنین مسئله اجتماع امنیتی<sup>۱</sup> را مطرح می‌نمایند. طرح مفهوم اجتماع و ترکیب آن با امنیت به منظور صلح‌سازی و جلوگیری از ناامنی در رهیافت سازه‌انگاره‌ها، حاکی از مخالفت آنها با ایده‌های مادی‌گرایانه است که مبتنی بر معیار ساختار و عناصر مادی می‌باشد. این رویکرد نشان می‌دهد که از نظر سازهانگاران امنیت در عرصه بین‌المللی صرفاً بدون ارتباط با جامعه شکل نخواهد گرفت (Adler & Barentt, 1998, pp.36-38).

از این دیدگاه، امنیت خلیج فارس بیش از واقعیت، در ذهن شکل می‌گیرد و یا از بین می‌رود. در واقع امنیت در خلیج فارس هم مادی است و هم اجتماعی و بر فهم دولت‌ها از منافعشان تأثیر می‌گذارد. رفتار دولت‌ها در خلیج فارس اساساً، تحت تأثیر فهم و شناخت آنها از وضع موجود و وضع مطلوب دنیای اطراف آنهاست. در واقع برداشت‌های بازیگران از رفتار طرف مقابل، بیش از خود رفتار اهمیت دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۳۵۴).

در منطقه خلیج فارس بر اساس این تئوری هر چه ادراک و تشخیص بازیگران به سمت بی‌اعتمادی و خودیاری باشد، به همان نسبت ساختار امنیت منطقه شکل ناامن‌تری و چرخه ناامنی در رفتار دولت‌ها تکرار می‌شود، اما اگر بازیگران منطقه دارای ادراکات و برداشت‌های همگون‌تر و متجانس‌تری باشند، به همان نسبت اعتماد و شکل‌گیری الگوی امنیتی مطلوب در میان آنها فزونی می‌یابد (Hoph, 1998, p.187). بر این اساس همواره مبانی ادراکی و شناختی بازیگران منطقه از امنیت، متغیر و سیال می‌شود و هرگونه اقدام، به‌ویژه اقدام نظامی - امنیتی کشورهای منطقه، حتی اگر ماهیت دفاعی و غیر تهدیدآمیز داشته باشد، تهدیدآمیز قلمداد شده و منجر به واکنش

سایرین می‌گردد. به نظر می‌رسد آنچه لازمه ایجاد یک رژیم امنیتی مطلوب در منطقه خلیج فارس باشد، تحول اساسی در برداشت‌ها و ساختارهای بین‌الذهانی شکل گرفته در منطقه است که به شدت به سوی بی‌اعتمادی گرایش داشته است. به نظر می‌رسد زمانی می‌توان به ایجاد یک رژیم امنیتی مطلوب در منطقه خلیج فارس امیدوار بود که اولاً شاهد ایجاد تحول اساسی در برداشت‌ها، نگرش‌ها و ساختارهای بین‌الذهانی بی‌اعتمادی باشیم و ثانیاً بازیگران منطقه تعریف دیگری از خود ارائه دهند که در آن به جای منازعه و درگیری ارائه‌گر تصویری صلح طلب و مشارکت‌جو از خود باشند.

## ۲- نظام بین‌الملل و امنیت خلیج فارس

در این مبحث تأثیر توزیع قدرت و توانایی‌ها در ساختار نظام بین‌الملل بر امنیت منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. توزیع قدرت در نظام بین‌الملل، یا به عبارتی کیفیت تعاملات سیاسی در مرکز به چهار صورت بر توزیع قدرت در نظام منطقه‌ای یا پیرامون آن تأثیر می‌گذارد:

۱. توازن قوای منطقه‌ای؛ ۲. ثبات هژمونیک منطقه‌ای؛ ۳. رفتار تهاجمی مبتنی بر

سیاست قدرت‌محور در سطح منطقه‌ای؛ ۴. رفتار مسئولانه و قاعده‌مند در راستای مدیریت صریح بحران‌های منطقه‌ای (احمدیان، صص ۷-۱۰۶).

به نظر می‌رسد تاریخ نوین خلیج فارس، موازنه قدرت، ثبات هژمونیک و رفتار تهاجمی قدرت‌های منطقه‌ای را تجربه کرده، ولی هیچگاه یک رژیم امنیتی با اتکا بر رفتار مسئولانه و قاعده‌مند کشورها در این منطقه تحقق پیدا نکرده است. آنچه اکنون وجود دارد، این است که استراتژی امریکا که در طی جنگ سرد در راستای مقابله با نفوذ کمونیسم در جهان حالت فراگیر و بین‌المللی داشت، بعد از جنگ سرد به صورت منطقه‌ای تدوین شده است. یکی از مناطق عمده مورد توجه سیاستگذاران امریکایی، منطقه خلیج فارس است (احمدیان، صص ۱۰۷).

اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس به دلیل ذخایر عظیم نفتی و تأثیر امنیت آن در بازارهای مختلف جهانی باعث شده که امنیت این منطقه همواره از محورهای سیاست خارجی دول بزرگ غربی به‌ویژه ایالات متحده امریکا و دولت‌های مهم اروپایی باشد. بعد از اعلام خروج انگلستان از خلیج فارس در سال ۱۹۶۸، ایالات متحده کلیدی‌ترین نقش را در موازنه منطقه‌ای

خلیج فارس بر عهده گرفت و در پی ایجاد امنیت منطقه از طریق دکترین دوستونه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ایجاد موازنه سه‌جانبه ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر تحولات عدیده‌ای در نظام بین‌الملل به وقوع پیوست که خواه ناخواه بر امنیت منطقه خلیج فارس هم تأثیرگذار بود. پدیده تروریسم که در این واقعه ضربه مهلکی بر آمریکا وارد ساخت، همچنین ریشه‌یابی این حوادث در کشورهای حوزه خلیج فارس، باعث تغییرات قابل توجهی در استراتژی آمریکا در ارتباط با این حوزه جغرافیایی گردید که اشغال نظامی عراق گام مهم آن تلقی می‌شود.

جرج بوش (پسر) یک‌سال پس از واقعه ۱۱ سپتامبر استراتژی دولت خود را در سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا مطرح نمود. در این سند که به طور تفصیلی شیوه‌های مقابله با تروریسم را بررسی می‌کند، در ارتباط با حوزه خلیج فارس آمریکا تلاش می‌کند از دستیابی دولت‌های موسوم به سرکش به سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای ممانعت به عمل آورد تا این کشورها نتوانند موازنه در منطقه را به نفع خود تغییر دهند. حمله همه‌جانبه

آمریکا به عراق و اشغال نظامی آن کشور با توجه به توجیه فوق انجام پذیرفت (Rathmell, 2003, pp. 2-3). از دیگر اقدامات نظام بین‌الملل در خصوص خلیج فارس موضوع تأکید ایالات متحده به انجام اصلاحات خود در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد، که این مسئله تحت عنوان طرح خاورمیانه بزرگ‌تر، به شکلی رسمی در مه ۲۰۰۴ توسط جورج بوش مطرح گردید، کشورهای منطقه را ملزم به انجام اصلاحات در چهار محور می‌نماید: اصلاح و آزادسازی اقتصادها، تشویق و ایجاد زمینه تغییرات سیاسی، ایجاد اصلاحات آموزشی، و در نهایت گسترش نقش زنان در اقتصاد و سیاست. هر چند نشانه‌هایی از پذیرش اجباری این اصلاحات در برخی از کشورهای منطقه مثل عربستان، کویت و بحرین آشکار است، اما تمامیت‌طلبی و انحصارگرایی ساختارهای حکومتی سنتی آنان، پیشرفت دموکراسی مورد نظر ایالات متحده را بسیار دشوار و غیر قابل پذیرش ساخته است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۳۵۲).

### ۳- رویکرد ایران نسبت به امنیت منطقه خلیج فارس

جمهوری اسلامی ایران همواره به مسئله صلح و ثبات در منطقه خلیج فارس توجه کرده و در این زمینه نگرانی‌هایی داشته

است. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که همه دنیا می‌بایست به موضوع صلح و ثبات در این منطقه حساس و در مقیاس و اندازه بیشتر از گذشته تأکید و توجه داشته باشند. منافع بلندمدت کشورهای منطقه می‌تواند به بهترین نحو تضمین گردد. این امر از طریق تصمیم‌گیری‌های درست که در برگیرنده توجه به دغدغه و نگرانی تمام طرف‌ها (کشورها) باشد، حاصل خواهد شد (Lotfian, 2007, pp.29-33).

تحریک به اعمال خشونت‌آمیز می‌کنند، نمی‌پذیرد. ایران همواره به تعقیب یک رویه و مسیر مستقل که به دنبال آزادی، عدالت، توسعه و پیشرفت و ترقی همه‌جانبه می‌باشد، ادامه خواهد داد، چرا که این موضوع خواست همه جامعه جهانی است که از همه فراخوان‌های ابتکاری برای گفتگوهای سازنده بین تمدن‌ها و ایجاد ائتلاف جهانی برای صلح استقبال و حمایت می‌کند (Abtahi, 2005, pp.161-162).

#### ۴- مسئله هسته‌ای ایران و امنیت خلیج فارس

از زمان اعلام دستیابی ایران به فناوری چرخه سوخت هسته‌ای در سال ۱۳۸۱، برنامه هسته‌ای ایران به یکی از مهم‌ترین موضوعات و دستورکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون یکی از عوامل و عناصر تعیین‌کننده روابط و تعاملات دو یا چندجانبه در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای، فعالیت هسته‌ای ایران است. بدیهی است که برنامه هسته‌ای ایران، توجه و تمرکز بازیگران و کشورهای قرار گرفته در همسایگی یا محیط امنیتی و جغرافیایی نزدیک جمهوری اسلامی را به خود معطوف دارد. بر این اساس کشورهای عربی و شورای همکاری خلیج فارس از جمله

یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که برای تضمین و تأمین امنیت دسته‌جمعی با کشورهای منطقه به توافق و همکاری‌های مفید دست یابد. مفاهیم «تشنج زدایی»<sup>۲</sup> و «اعتمادسازی»<sup>۳</sup> به عنوان پایه‌های اساسی و ابتکارات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر بوده؛ سیاست‌هایی که نتایج روشن و مفیدی داشته است (Abtahi, 2005, p.161). جمهوری اسلامی ایران همواره روند نظامی‌سازی منطقه و سیستم استبداد سلطه در منطقه را که از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای اعمال شده، رد کرده است. جمهوری اسلامی همچنین هر نوع جنبش‌های افراط‌گرایی را که مردم را

2. Detente  
3. Confidence- building



بازیگرانی هستند که به جدیت و حساسیت، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را زیر نظر داشته و پیگیری می‌کنند. آنها به مناسبت‌های مختلف رویکرد و مواضع خود نسبت به این موضوع را صریحاً یا تلویحاً ابراز داشته‌اند (Amini, 2008).

همان‌طور که در تبیین نظری بحث اشاره شد، مطابق با رویکرد سازه‌نگاری عمده اختلافات و نگرانی‌هایی که در میان کشورهای منطقه از ایجاد یک رژیم امنیتی پایدار ممانعت به عمل می‌آورد- به‌ویژه در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران که یک کشور غیر عرب و خارج از شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد- بحث القائنات ذهنی است که در میان سران عرب و حکومت‌های آنان شکل گرفته است. القائنات ذهنی که پیامد آن نگرانی‌های اخیر کشورهای عرب منطقه از پیشرفت‌های علمی، فنی و نظامی جمهوری اسلامی ایران بوده است، خود نتیجه دو عامل مهم می‌باشد: نخست، القائنات منفی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در خصوص پیشرفت‌های ایران به‌ویژه در ارتباط با برنامه هسته‌ای و دوم، تأکید تعصب‌آمیز اعراب بر هویت غیر عربی و عجم بودن ایران که آن را در حوزه خودی و غیر خودی طبقه‌بندی کرده‌اند.

استراتژی مهم اعراب منطقه خلیج فارس همواره بر این موضوع تأکید داشته است که از هژمونی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران جلوگیری نماید. این کشورها در مقاطع مختلف زمانی و همگام با ایالات متحده و سایر کشورهای غربی بر ضرورت افزایش فشارهای سیاسی-امنیتی بر جمهوری اسلامی ایران و در صورت مقاومت ایران بر ارتقای فناوری هسته‌ای خود، دیپلماسی زور، اجبار و تهدید به کارگیری نیروی نظامی ائتلاف غرب بر علیه ایران تأکید داشته‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، صص ۶۱-۵۶). آنچه هم‌اکنون در خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس و موضوع توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود، بحث موضع‌گیری‌های دوپهلوی شورای همکاری خلیج فارس است. کشورهای این عضو این شورا مکرراً در نشست‌های خود به مناسبت‌های مختلف برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی برای خود قلمداد نموده‌اند، اما در نشست‌ها و ملاقات‌های خارج از چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای منطقه به صورت جدا جدا و انفرادی معمولاً رویکرد متعادل‌تری در پیش گرفته‌اند (www.meforum.org).

این در حالی است که طبق نظرخواهی برخی از مطبوعات داخلی منطقه، آرای عمومی منطقه خلیج فارس درباره برنامه هسته‌ای ایران مثبت است و اکثر آنها با حق داشتن ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای موافق‌اند. در نهایت به ذکر چند دلیل عمده در خصوص مخالفت دولت‌های منطقه خلیج فارس با برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌کنیم:

۱. ترس از قدرتمند شدن ایران و به زعم خود، تغییر موازنه قوا در منطقه. آنها به صراحت می‌گویند که ایران هسته‌ای برای منطقه خطرناک است و منطقه را به رقابت‌های هسته‌ای می‌کشاند (غلامرضایور).  
 ۲. دلیل دیگر مخالفت آنان القانات غرب می‌باشد که مدعی است، نیروگاه اتمی بوشهر که به کشورهای خلیج فارس، به‌ویژه کویت بسیار نزدیک است، در صورت بروز هر حادثه و رخداد غیر منتظره سبب بروز تشعشعات هسته‌ای خطرناک خواهد شد و این امر بر محیط زیست آب دریا و هوای منطقه اثرات جبران‌ناپذیری خواهد گذاشت و آسیب‌های آن به طور مستقیم شامل کشورهای عرب حوزه خلیج فارس خواهد شد  
 (www.archive.gulfnews.com).

۳. از نظر دیپلماسی، این کشورها می‌خواهند به اصطلاح نقش میانجی‌گری را

بازی کنند تا همزمان خود را به ایران و امریکا نزدیک نمایند و از این رهگذر با اخذ امتیازاتی، جایگاه خود را در منطقه تقویت و امنیت خود را تأمین نمایند.

۴. یکی دیگر از دلایل عمده مخالفت این کشورها به نگرانی از حمله نظامی امریکا به ایران بر می‌گردد، از نگاه آنان بروز جنگ در منطقه سبب به خطر افتادن منافع حیاتی آنها می‌شود؛ چرا که خوب می‌دانند در صورت تعرض به ایران، حاکمیت آنان نیز آسیب خواهد دید  
 (www.archive.gulfnews.com).

## ۵- طرح‌ها و پیشنهاداتی برای برقراری یک الگوی امنیتی باثبات در خلیج فارس

اگر چه تاکنون الگوهای متعدد امنیتی برای امنیت منطقه خلیج فارس از سوی کارشناسان پیشنهاد شده است، اما نوشتار فوق به گونه‌ای دیگر این مباحث را بسط داده، به گونه‌ای که قابلیت اجرایی و پذیرش بیشتری از سوی کشورهای منطقه داشته باشد. از دید نگارنده لازمه ایجاد هر گونه الگوی کارآمد در منطقه خلیج فارس نیازمند حضور همه‌جانبه ایران به عنوان یک قدرت قابل اتکای منطقه‌ای است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌بایست بر اساس

آنچه تئوری سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل به آن اذعان دارد. نوع دیدگاه‌های و برداشت‌هایی را که به غلط در مورد اهداف و برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران به ویژه در حوزه صدور ارزش‌های انقلاب و حمایت از جنبش‌های اسلامی و به ویژه پرونده هسته‌ای شکل گرفته است، تغییر دهد. هر چقدر کشور بتواند ساختارهای بین‌الذنهانی کشورهای منطقه را تغییر داده و تعریفی صلح‌طلبانه‌تر و دوستانه‌تر از اهداف اصیل و اساسی جمهوری اسلامی ارائه نماید، امکان ایجاد یک الگوی امنیتی پایدار در منطقه وجود خواهد داشت. بر این اساس در اینجا طرح‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته که می‌تواند در تغییر برداشت و دیدگاه‌های احتیاط‌آمیز کشورهای منطقه که ماحصل تبلیغات امریکا و غرب می‌باشد، مؤثر واقع گردد. این طرح‌ها به طور کلی عبارت‌اند از:

#### ابتکار ایجاد ناتوی منطقه‌ای

کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به علت ضعف زیر ساخت‌ها و تأسیسات نظامی و نداشتن عمق استراتژیک دفاعی همواره نگرانی‌ها و دغدغه‌های مهمی در امور دفاعی-امنیتی خود خواهند داشت. یکی از مسائل عمده‌ای که به این نگرانی‌ها افزوده است، موضوع پیشرفت‌های سال‌های اخیر جمهوری

اسلامی ایران در همه زمینه‌ها به‌ویژه موضوع پیشرفت‌ها و دستاوردهای نظامی و انرژی هسته‌ای می‌باشد. عمده دلیل حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در این منطقه همین ترس و نگرانی این کشورها از یک همسایه قدرتمند می‌باشد. علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی بارها سیاست‌ها و استراتژی‌های خود در امور نظامی را کاملاً دفاعی و بازدارنده اعلام نموده، اما به نظر می‌رسد، لازم است در عمل سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا این نگرانی‌ها از بین رفته و یا به حداقل کاهش یابد. ابتکار ایجاد ناتوی منطقه‌ای به نظر نگارنده می‌تواند تا حد زیادی در این راستا عمل نماید. فراهم نمودن امکان مانورهای مشترک نظامی در منطقه، تأمین تسلیحات نظامی مورد نیاز بازار خرید اسلحه کشورهای عربی منطقه، ایجاد یک ستاد نظامی مشترک در این ناتوی منطقه‌ای و همچنین اتخاذ یک رویکرد سیاست دفاعی-امنیتی مشترک در این نهاد نظامی می‌تواند تا حد زیادی در راستای پیشبرد هدف فوق عمل نماید.

مقامات دولت‌های منطقه بر این باورند که هر چه جمهوری اسلامی ایران در بعد نظامی تقویت شود و به فناوری‌های پیچیده و مدرن نظامی مجهز گردد، امنیت آنها بیشتر به خطر می‌افتد، اما زمانی که این

پیشرفت‌های نظامی جمهوری اسلامی در چارچوب یک نهاد مشترک نظامی امنیت منطقه‌ای سازماندهی شده باشد، این پیشرفت‌ها نه تنها مایه نگرانی و دغدغه آنان نخواهد بود، بلکه آن را در راستای پیشرفت آن نهاد امنیتی مشترک ارزیابی می‌نمایند. این ساختار البته اگر به گونه‌ای سطحی نبوده و یک الگوی قاعده‌مند طراحی گردد، می‌تواند دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای در میان کشورهای منطقه را هم به حداقل رسانده و کشورهای منطقه را به تجدید نظر در مورد القائات ذهنی منفی نسبت به جمهوری اسلامی وادار سازد.

### ایجاد یک نهاد امنیتی جهت تضمین و استمرار امنیت انرژی در منطقه

همان‌طور که پیشتر اشاره گردید، بخش بسیار زیادی از انرژی نفت و گاز جهان در منطقه خلیج فارس قرار دارد. در سال‌های اخیر مباحثی چون افزایش تهدیدات تروریستی، مسابقه تسلیحاتی در منطقه و حضور قدرت‌های بیگانه تا حد زیادی آینده امنیت انرژی در منطقه را با چالش جدی مواجه ساخته است. به نظر می‌رسد که با فضای امنیتی ایجاد شده، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به جلب نظر مقامات کشورهای منطقه و برای برقراری خطوط امنیت انرژی

پایدار یک نهاد امنیتی جهت برقراری امنیت انرژی ایجاد نماید. قاعده‌تاً ایجاد یک نهاد امنیت انرژی و لو کاملاً تأثیرگذار هم نباشد، می‌تواند مقدمه ایجاد و سازماندهی یک الگوی کارآمد و تأثیرگذار در حوزه امنیت انرژی در منطقه خلیج فارس باشد. این اقدام نه تنها در راستای تحقق اهداف و منافع کشورهای منطقه با هدف بیشترین بهره‌وری از انرژی آنها خواهد بود، همچنین این موضوع تا حد زیادی به سود کشورهای فرامنطقه‌ای و همچنین صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود. اگر چه وابستگی امنیتی کشورهای منطقه در زمینه خطوط انرژی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای کار را برای جمهوری اسلامی سخت کرده است، اما در صورت ایجاد چنین نهادی با مشارکت کامل کشورهای منطقه همراه با ارائه یک اساسنامه مشترک و همه‌جانبه که در برگیرنده منفعت و مصالح همه کشورهای منطقه باشد، از شدت وابستگی‌های امنیتی کشورهای منطقه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای به تدریج کاسته خواهد شد.

**فراهم نمودن امکان سرمایه‌گذاری مطمئن و پایدار برای تجار کشورهای منطقه خلیج فارس در شرایط بحران**

## مالی جهانی در قالب یک نهاد تجاری مشترک منطقه‌ای

بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ که هم‌اکنون به بحران اقتصادی تبدیل شده، بزرگ‌ترین بحرانی است که اقتصاد جهانی سرمایه‌داری بعد از بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ تجربه کرده است. قاعدتاً این بحران اقتصادی بر کشورهای منطقه خلیج فارس بی‌تأثیر نخواهد بود. کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و کاهش صادرات غیر نفتی بیشترین ضربه را به اقتصاد منطقه وارد خواهد ساخت. به ویژه با توجه به وابستگی همه‌جانبه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به اقتصاد جهانی جنبه‌های دیگر تأثیرگذاری این بحران بیشتر خواهد بود. آنچه امروز بر فضای بیمار اقتصاد جهانی سایه افکننده، بحث نبود تضمینی برای امنیت سرمایه‌گذاری است. کشورهای حاشیه خلیج فارس هم که سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در اروپا و آمریکا دارند، بیش از پیش این موضوع آنها را نگران خواهد ساخت، فضای به‌وجودآمده به جمهوری اسلامی ایران این امکان را خواهد داد که با توجه به حداقل وابستگی به اقتصاد جهانی دارای محیطی امن برای سرمایه‌گذاری باشد. اعلام آمادگی کمپانی‌های اقتصادی جهانی برای

سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز و سایر صنایع مبین این موضوع بوده است.

جلب نظر سرمایه‌گذاران عرب منطقه خلیج فارس برای سرمایه‌گذاری در صنایع کشور می‌تواند در ایجاد تحول در نوع نگرش کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران مطلوب باشد. این اقدام جمهوری اسلامی هر چند شاید کوتاه‌مدت باشد، اما خود زمینه‌ای خواهد بود برای بهره‌برداری بلندمدت سرمایه‌گذاری کشورهای منطقه در صنایع داخلی کشور و ایجاد بنگاه‌ها و نهادهای مشترک اقتصادی در سطح منطقه و همچنین غیر امنیتی ساختن محیط منطقه.

### ابتکار ایجاد نهادی تحت عنوان «سازمان ضد تروریسم منطقه‌ای»

حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر نقطه‌عطفی در سیاست و امنیت بین‌الملل به شمار می‌رود. موضوعی که به یک‌باره ماهیت موضوعات امنیت جهانی و روش‌های تهدیدات امنیتی را متحول ساخت. از آن زمان به بعد جامعه بین‌المللی و در رأس آنها ایالات متحده به اقدامات همه‌جانبه‌ای برای مقابله با تروریسم متوسل شده است. اما به دلیل ماهیت نامشخص تهدیدات تروریستی و عدم توانایی در شناسایی این گروه‌ها و عدم درک و فهم ارزش‌ها و ایده‌هایی که باعث

پرورش و تقویت این گروه‌ها شده، اقدامات ضد تروریستی جامعه جهانی نتیجه قابل توجهی نداشته است. منطقه خلیج فارس با توجه به نزدیکی جغرافیایی و ارزشی و اعتقادی به سه کشور عربستان، پاکستان و افغانستان می‌تواند اقدامات قابل توجهی در منطقه برای مقابله با تروریسم به همراه سایر کشورهای منطقه صورت دهد.

جمهوری اسلامی ایران که خود همواره بیشترین ضربه را از اقدامات تروریستی دیده است، می‌تواند در اقدامی قابل توجه به همراه کشورهای حاشیه خلیج فارس یک سازمان ضد تروریستی با قابلیت‌هایی بیشتر و تأثیرگذارتر نسبت به اقدامات بین‌المللی مقابله با تروریسم ایجاد نماید. بدون شک این مسئله اگر قاعده‌مند طراحی گردد، مورد استقبال نه تنها کشورهای منطقه، بلکه جامعه جهانی هم قرار خواهد گرفت. کشورهای اسلامی که همواره در مسئله تروریسم مورد اتهام واقع شده‌اند، از این اقدام استقبال خواهند کرد. کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیز به این دلیل که همگی به نوعی از تهدیدات امنیت نظامی، انرژی و بازارهای تجاری خود، توسط تروریست‌ها احساس نگرانی می‌کنند، به این نهاد می‌پیوندند. یک احساس نگرانی مشترک به

همدلی و همسویی بیشتر کشورهای منطقه خلیج فارس منجر خواهد شد و همچنین این موضوع، می‌تواند به ارتقای هر چه بیشتر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه بینجامد.

### عقد پیمان‌ها و قراردادهای منطقه‌ای دوجانبه

همان‌طور که تجربه نشان داده است، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس زمانی که احساس نگرانی بیشتر در منطقه دارند، در اجلاس‌هایی که معمولاً در قالب شورای همکاری خلیج فارس دارند و با پیش کشیدن بحث هویت عربی خود موضع‌گیری‌های خود را بر این اساس پایه‌ریزی می‌کنند. قاعدتاً جمهوری اسلامی ایران بر این مسئله واقف است که کشورهای منطقه هر کدام دارای اختلافات ارضی و مرزی متعددی هستند که مانع همگرایی و همسویی هر چه بیشتر آنان می‌شود. جمهوری اسلامی ایران برای رفع سوء تفاهمات و نگرانی‌های پیش‌آمده و ممانعت از ایجاد هرگونه نگرانی در مورد اقدامات نظامی و به‌ویژه توانمندی هسته‌ای کشورمان می‌بایست در پیمان‌هایی به صورت دوجانبه تضمین‌های امنیتی مطلوبی ارائه دهد. دیپلماسی گفتگوهای دوجانبه می‌تواند تا حد زیادی از موضع‌گیری‌های احساسی

فنی و نظامی هم پشتوانه محکمی برای باور ایران هسته‌ای با تکنولوژی بومی بوده است. هم‌اکنون کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به دلیل القائات منفی وارده از سوی آمریکا و غرب از برنامه هسته‌ای ایران احساس نگرانی می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در راستای به حداقل رساندن این نگرانی‌های بی‌اساس القاء شده به این کشورها، مبادرت به ایجاد یک کنسرسیوم هسته‌ای منطقه‌ای نماید. این کنسرسیوم می‌تواند با هدف کاهش نگرانی‌ها و دغدغه‌های این کشورها چارچوبی باشد برای ایجاد زمینه‌های متعدد در خصوص آموزش‌های علم هسته‌ای و می‌تواند بیشتر جنبه تحقیقاتی و پژوهشی داشته باشد. اخیراً کشورهای امارات عربی متحده و عربستان برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای به سوی آمریکا و انگلستان روی آورده‌اند که این خود نشان از احساس خطر این کشورها از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. ایجاد یک کنسرسیوم هسته‌ای منطقه‌ای در خلیج فارس حداقل این نتیجه را در بر خواهد داشت که از شدت وابستگی این کشورها به غرب جلوگیری خواهد نمود. چرا که آنها با قرار گرفتن در چارچوب این کنسرسیوم با حداقل احساس نگرانی از برنامه هسته ایران

شورای همکاری خلیج فارس، در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران بکاهد. موضوعی که در مقایسه با اجلاس‌ها و نشست‌های چندجانبه با حضور همه کشورهای عربی و تعدد و گوناگونی نظرات اعضا امکان تحقق کمتری دارد. در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران گفتگوهای این‌چنینی با کشورهایایی مثل بحرین، عمان و کویت داشته است. به نظر می‌رسد این دیپلماسی تا حد زیادی موفق نشان داده است؛ هر چند این موضوع می‌بایست در برهه زمانی کنونی به گونه کارآمدتری دنبال گردد.

#### تأسیس یک کنسرسیوم هسته‌ای منطقه‌ای

تلاش‌های غرب در سال‌های اخیر در خصوص مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نتیجه‌ای جز القاء این باور عمومی به جامعه جهانی که ایران به توانمندی دانش بومی هسته‌ای دست یافته، نداشته است. هم‌اکنون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>۴</sup> نیز با صحنه گذاشتن بر اقدامات هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، پیشرفت‌های قابل توجه هسته‌ای ایران را با استفاده از نیروهای مجرب بومی تأیید کرده است. پیشرفت‌های ایران در سال‌های اخیر در زمینه‌های علمی،

4. IAEA

روبه‌رو خواهند شد. به نظر می‌رسد کنسرسیوم با یک اساسنامه علمی و پژوهشی فراگیر بتواند سهم عمده‌ی از کاهش نگرانی‌های آتی کشورهای حاشیه خلیج فارس از برنامه هسته‌ای ایران داشته باشد و در واقع تا حد زیادی بتواند یک الگوی امنیتی مقرون به صرفه هم برای کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و هم برای منافع جمهوری اسلامی ایران و افزایش شأن و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تعاملات بین‌المللی داشته باشد.

### تأسیس نهادی تحت عنوان سازمان محیط زیست دریایی

با توجه به اینکه کشورهای منطقه هر کدام به نوعی دارای منابع نفتی و گاز قابل توجهی هستند و همسایه بودن آنها با خلیج فارس موضوعی است که باعث می‌شود کشورهای منطقه هر کدام به نوعی با چالش‌های زیست‌محیطی دریایی مواجه باشند. با توجه به اولویت مسائل زیست‌محیطی کشورها، این نگرانی وجود دارد که آینده زیست‌بشر با چالش جدی مواجه گردد. این موضوع در سال‌های اخیر در دستور کارهای جدی سازمان‌ها و کنوانسیون‌های جهانی قرار گرفته است. اجلاس اخیر کپنهاک هم نشانه نگرانی

جدی‌تر جامعه جهانی برای مقابله با مشکلات زیست‌محیطی بود. حوزه مشکلات زیست‌محیطی دریاها بر اثر حمل‌ونقل، ترانسفر کالا، کشتی‌های نفت‌کش و عملیات حفاری و استخراج، جدی‌ترین مخاطرات را برای کشورهای ساحلی منطقه خلیج فارس ایجاد کرده است.

این مسئله هم از بعد اقتصادی و هم امنیتی موجبات نگرانی کشورهای ساحلی را فراهم آورده است. به نظر می‌رسد این نگرانی مشترک به گونه‌ای برجسته بین کشورهای منطقه خلیج فارس وجود دارد. اگر چه تاکنون موضوعات زیست‌محیطی دریایی نمود عینی قابل توجهی نداشت، اما تحولات ایجاد شده در حوزه امنیت و اقتصاد بین‌الملل در آینده‌ای نزدیک باعث می‌گردد که این منطقه از نگرانی‌های متعدد زیست‌محیطی متضرر گردد. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از این احساس نگرانی مشترک می‌تواند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که ابزارهای لازم را در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی دارد، موجبات ایجاد یک نهاد زیست‌محیطی دریایی را فراهم آورد، طوری که امنیت زیست‌محیطی همه کشورها به هم گره خورده و خود این موضوع می‌تواند در



تصویرسازی مثبت از جمهوری اسلامی ایران در منطقه موثر واقع گردد.

## فرجام

بعد از پایان جنگ سرد و تحول در مفهوم امنیت بین‌الملل، شاهد گذار امنیت از مفهوم سخت‌افزاری به مفهوم نرم‌افزاری هستیم. فرضیه تحقیق مورد نظر با چارچوب تئوری سازه‌نگاری بر آن بود که مشخص نماید کشورهای منطقه با تعریفی جدید از امنیت و تغییرات در نوع فکر و صحبت اجتماعات انسانی می‌توانند شاهد شکل‌گیری سریع‌تر یک الگوی امنیتی پایدار در منطقه باشند. سازه‌نگاران بر این باورند که سیاست و روابط بین‌الملل به طور اجتماعی بر ساخته شده و این بدین معناست که چگونه فکر کردن و صحبت کردن اجتماعات انسانی درباره جهان، به سیاست و روابط بین‌الملل شکل می‌دهد. ونت معتقد است که فهم سیاست جهان تنها از طریق فهم عمل و رفتار انسانی از طریق ساختار دانشی که در وجود آنها شکل گرفته، ایجاد شده است. بر اساس این دیدگاه درک نقش حیاتی ساختار اجتماعی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و روند تعاملات بسیار اهمیت دارد. همان‌طور که طی این تحقیق به آن اشاره شد، در نوشتارهای متعددی مبانی نظری متفاوتی

برای تبیین تئوریک منطقه خلیج فارس به کار رفته است. در این نوشتار سعی شد بنا به پارادایم جدید امنیت یعنی جنبه غیر مادی آن به تبیین این موضوع پرداخته شود. هرچند در اولین راهکار تغییر و تحول در نوع اندیشیدن و تفکر و همچنین بهره‌گیری از ساختارهای اجتماعی موجود در منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما به‌دنبال این راهکارهایی تجربی و عینی هم مطرح می‌شود که همگی آنها تنها در صورت تغییر در گفتمان و نوع تفکر کشورهای منطقه امکان‌پذیر است. همان‌طور که ونت می‌گوید: چگونه فکر کردن و صحبت کردن اجتماعات انسانی درباره جهان، به سیاست و روابط بین‌الملل شکل می‌دهد. به همین ترتیب نوع فکر کردن و صحبت و گفتمان موجود در میان کشورهای منطقه خلیج فارس به نوع تعاملات منطقه شکل می‌دهد. بنابر این در جواب یکی از سؤالات اساسی تحقیق یعنی همان اولویت داشتن تغییر دادن نگرش‌ها و برداشت‌های کشورهای منطقه و شفاف‌سازی بیشتر در مورد اهداف جمهوری اسلامی ایران باید اذعان نمود که بر اساس تئوری سازه‌نگاری می‌توان به این موضوع پرداخت. این تئوری بر این اساس که منطقه خلیج فارس اساساً ساختاری هویتی و قومی دارد

به خوبی می‌توان الگوهای همگرایی را در منطقه تداعی نمود. بر این اساس لازم است جمهوری اسلامی ایران با انجام اقدامات لازم، تغییرات اساسی در نوع نگرش‌ها و ایده‌هایی که طی سال‌های اخیر در اثر القانات نیروهای فرامنطقه‌ای جنبه منفی به خود گرفته‌اند، ایجاد نماید. لازم است جمهوری اسلامی ایران با تعریف جدیدتری از خود برای کشورهای منطقه، مکرراً استراتژی منطقه‌ای خود مبنی بر تدافعی و صلح‌طلب بودن را اعلام نماید. همان‌طور که از دید سازه‌انگاران هویت‌ها منافع دولت‌ها را می‌سازد، به نظر می‌رسد تأکید تعصب‌گونه بر هویت عربی شکل‌دهنده منافع همه کشورهای عرب منطقه خلیج فارس باشد. جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به‌دور از هرگونه به‌چالش طلبیدن این هویت مشترک میان کشورهای منطقه، روی نقاط مشترک ارزش‌های اسلامی و فرهنگی - اجتماعی تأکید نماید. به هر حال لازمه ایجاد هرگونه الگوی امنیتی مطلوب و پایدار تغییر دادن نگرش و نحوه تفکر مقامات عرب حوزه خلیج فارس می‌باشد که در مورد برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان هم نگرانی‌های زیادی دارد. برنامه پنجم توسعه تلاش عمده‌ای در جهت کاستن از میزان نگرانی‌های کشورهای منطقه انجام

داده است. اما لازم است جمهوری اسلامی ایران با انجام یکسری اقدامات عملی و جدی زمینه رفع نگرانی‌های کشورهای منطقه و برداشت‌های شکل‌گرفته از القانات ایالات متحده و غرب را فراهم نماید. در نهایت و در خصوص جواب به سؤال دوم تحقیق یعنی بحث ارتباط الگوهای امنیتی در منطقه خلیج فارس و برنامه پنجم توسعه لازم است اشاره گردد که در این سند اساسی‌ترین توجهات معطوف به بحث همگرایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان شده است. این موضوع خود نقش قابل توجهی در زدودن هر چه بیشتر نگرش‌ها و برداشت‌های عمدتاً نگران‌کننده کشورهای عربی منطقه خواهد داشت. در جریان این نوشتار به این مباحث اشاره گردید. در اینجا و به‌طور کلی لازم است به عمده‌ترین مباحث برنامه پنجم در بخش همگرایی و تعاملات پویا در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی اشاره گردد: تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه، تلاش برای رهایی منطقه از حضور بیگانگان، تلاش برای ایجاد نظام‌های جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه، حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های منطقه و بین‌المللی،

### منابع لاتین

8. Andrew Rathmell, (2003), Theodore karasik and David Gompert, "A new Persian Gulf security system", *Rand California*.
9. Armin Amini, (2008), "*Iran Nuclear Program and the Positions of the Gulf Cooperation Council*", Paper presented at the 2008 Gulf Studies Conference Institute of Arab and Islamic Studies, University of Exeter, July 1-4.
10. Emanul Adler and Micheal Barentt, (1998), "*Frame work for the study: Security Communities*" , in security communities, (Cambridge university press)
11. H.E.Mohammad Ali Abtahi, (2005), "Iran and International Relations: Impact on political stability in the Gulf", in: The Imirates Center for strategic studies and research(ed), *The Gulf Challenges of the Future*.
12. saide lotfian, (winter 2007), "New Security challenges in the perisan gulf: analyzing the national interst of iran, us, and PGCC Triad", *The Iranian of International Affaairs*, Vol.xx, No. 1.
13. Steghen M. Walt, (spring 1998), "International Relations; One world,

تقویت تعاملات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با حوزه تمدن اسلامی - ایرانی و ....

### منابع فارسی

۱. احمدیان، قدرت، «خلیج فارس: رژیم امنیتی یا معضل امنیتی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ج ۶ شماره ۱.
۲. دهقانی فیروزآبادی، جلال (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۸.
۳. دهقانی فیروز آبادی، جلال (تابستان و پاییز ۱۳۸۶)، رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ی ایران، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال چهاردهم، شماره ۳ و ۴.
۴. غلامرضا پور، جعفر، «مسئله هسته‌ی ایران و شورای همکاری خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۰.
۵. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، «*پندهای ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران*»، تهران؛ نشر نی.
۶. مشیرزاده، حمیرا (بهار ۱۳۸۳)، «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۶۳.
۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی - سمت، چاپ دوم.

- many theories", *Foreign Policy*, No. 110.
14. Ted Hoph, (summer, 1998), "The Promise of Constructivis in International Relations Theory", *International Security*, Vol. 23, No.1.
15. *The National Security Strategy of the United States of America*. The President of the United States, September 2002
16. [www.meforum.org/1986/boxed-in-containing-a-nuclear-iran](http://www.meforum.org/1986/boxed-in-containing-a-nuclear-iran) - 40k
17. [www.archive.gulfnews.com/indepth/arabsummit/more\\_stories/20-](http://www.archive.gulfnews.com/indepth/arabsummit/more_stories/20-)
18. [www.irane1404.com/NDetail.aspx?NewsID=1509-73k](http://www.irane1404.com/NDetail.aspx?NewsID=1509-73k)